



شرط کارآمدی دولت مرزبندی با ویژه‌خواران فتنه‌گران و بیگانگان

تشکیل کابینه دوازدهم و همراهی بی‌سابقه مجلس با دولت در جلسه رای اعتماد، این امید را در دل مردم ایجاد می‌کند که روزهایی بهتر و گشایش‌هایی تازه در پیش باشد. این انتظار نه زیاده‌خواهی است و نه مطالباتی از سر تفنن!

تشکیل کابینه دوازدهم و همراهی بی‌سابقه مجلس با دولت در جلسه رای اعتماد، این امید را در دل مردم ایجاد می‌کند که روزهایی بهتر و گشایش‌هایی تازه در پیش باشد. این انتظار نه زیاده‌خواهی است و نه مطالباتی از سر تفنن! مردم عملاً به کمترین حقوق خود بخصوص در حوزه اقتصادی راضی هستند و مراد از گشایش اقتصادی، برقراری حداقل‌ها در زندگی مردم است.

این فرصت طلایی اما تهدیدآمیز است؛ هائیی هم دارد. دولت همان زمان که می‌تواند از همراهی مجلس استفاده کند، دستخوش وسوسه‌ها و تهدیدها می‌شود. هائیی است که تن دادن به آنها، قطعاً به ناکارآمدی دولت منتهی می‌شود.

بیراه نیست اگر بگوییم شرط کارآمدی و ارائه خدمت دولت به مردم، پایبندی به اصولی روشن و موازینی محکم است و بدون آنها، باید از همین حالا فاتحه امید به گشایش و بهبودی را خواند! سایه پدرخوانده‌ها!

دولت روحانی اما توان اداره امور آنگونه که منفعت مردم را تضمین کند ندارد. این را می‌توان از شرکت سهامی که به اسم کابینه در دولت قبل و دولت کنونی شاهدش بوده‌ایم به سادگی بفهمیم. هم در دولت یازدهم و هم اکنون، سایه پدرخوانده‌ها بر سر کابینه سنگینی کرده و می‌کند. پدرخوانده‌هایی که سابقه تاریکی در خرید و فروش پست و جایگاه و لیست دارند! اقدام کرباسچی در فروختن لیست شورای شهر تهران را فراموش نمی‌کنیم! لیست امید در تهران هم حالا بیش از گذشته ماهیت خود را برای اصلاح‌طلبان و حامیان ساده دلی که با حرارت آنها را تبلیغ می‌کردند، نشان داده است.

این پدرخوانده‌ها دشمن هر عقیده اصلاحی و هر راهی که به اندک گشایشی برای مردم ختم شود هستند. از نظر آنها، تنها یک چیز اهمیت دارد و آن منافع جناحی و حزبی و البته فردی است!

فتنه

شاه‌کلید ناکارآمدی

از همین حالا می‌توان سرنوشت برخی حوزه‌ها را پیش‌بینی کرد. این کار نیاز به علوم غریبه و خفیه ندارد، کافی است نگاهی به سوابق مدیران و وزرای مربوطه بیندازیم. این وضعیت قطعاً نیازمند یک چاشنی سیاسی است تا درگیری‌های تمام‌نشده و بی‌فایده را دامن بزنند. بهترین کار، به‌کارگیری فتنه‌گران است! این روش دو فایده برای پدرخوانده‌ها دارد. یکی از بدنه مستاصل و سرخورده جریان اصلاحات – که همه امیدهایش بدلیل ناکارآمدی کابینه در حال نابودی است- با چند انتصاب و عکس‌یادگاری و چند جمله درباره حصر و سران فتنه، احساس هویت و تشخیص کرده و فکر می‌کند که کار کارستانی شده و اگر اینها نبودند، چه می‌شد!!؟

اما فایده دوم هم در جای خود، مهم و بسیار مهم است. تیم دولت ناکارآمدی را بر پیشانی خود دارد، بنابراین با بکارگیری فتنه‌گران، ضمن کسب فایده فوق‌درگیری و حاشیه‌ای دائمی در اطراف عملکرد دولت ساخته می‌شود که بر اثر آن همه بی‌عرضگی‌ها، فسادها، بی‌برنامگی‌ها و ناکارآمدی‌ها کمرنگ شده و در عوض حواشی برجسته می‌شود.

سابقه شوم فتنه‌گران نشان داده آنها به چیزی کمتر از فروختن شرف و عزت وطن راضی نیستند. آنها بودند که انتخابات باشکوه ملت را به جنگ خیابانی تبدیل کردند. آنها بودند که زمینه را برای حضور آمریکا در کشور فراهم کردند و آرزو کردند دولت آمریکا همان کاری که با عراق کرد را با ایران هم بکند. آنها بودند که بعد از دادن بهانه به دشمن، خودشان گرای تحریم دادند و بدترین تحریم‌ها را با راهنمایی دقیق و مو به مو به ملت ایران تحمیل کردند.

اکنون طبیعی است که وجود آنها در هر مجموعه صد در صد سالمی هم می‌تواند آن مجموعه را فاسد و آلوده کند. لذا شرط نخست دولت برای کارآمدی، پرهیز از بکارگیری این افراد است.

حواستان به نور چشمی‌ها باشد!

دولت یازدهم را باید الحق و الانصاف دولت رانت‌خواری و ویژه‌خواری دانست. کارنامه ننگین و سیاه حقوق‌های نجومی هرگز از یادها نمی‌رود. در شرایطی که مردم با سختی‌های مختلف و سنگین معیشتی دست و پنجه نرم می‌کردند، دزدان حرام‌خوار به جان بیت‌های مال افتاده بودند و همچون زالو

به مکیدن شیر جان مردم مشغول بودند! چندین و چند مدیر بلندپایه و ارشد دولتی و بانکی و... در این پرونده ننگین رسوا شدند و دریغ از مجازات و اقدام قاطع دولت و دستگاه قضایی! البته دولت بعدها به پاس خیانت آنها به مام میهن، دزدان گردنه‌‌گیر را ذخیره نظام نامید و با پست‌های تازه، زحماتشان را جبران نمود!

به جز این، فرزندان هر کدام را که نگاه کنی، دست در کاری اقتصادی دارند و مشغول ارتزاق از اسم و عنوان پدران خود هستند! دختر وزیر آموزش و پرورش به شغل شریف و شرافتمندانه واردات پوشاک و پارچه‌ اشتغال دارد و در ازای آن، نان بخور و نمیری به سفره می‌برد! معلوم هم نیست که این شغل شریف قاچاق بود یا قانونی؟! چه مدت ادامه داشت؟! اکنون هم ادامه دارد یا سفره جمع شده است؟! اما مهم این بود که تشکیلات سازمان تعزیرات حکومتی، به یاری او آمده و ظرف چندروز حکم بی‌گناهی وی را صادر کرد! درود بر این همه مسئولیت‌شناسی و هواداری از آفازاده‌ها و نور چشمی‌ها! پسر فلان معاون رئیس‌جمهور، در معاملات کاملاً شخصی خود، مبالغی سنگین چک بلامحل کشید و به زبان ساده و خودمانی، کلاه مردم را برداشت! پسر وکیلی نماینده لیست امید که با فرمان‌تکرار می‌کنیم» به مجلس راه یافته بود، در سنن بیست و چند سالگی به هیئت‌مدیره شرکت‌ها و موسسات عظیم راه پیدا کردند و از نمد وکالت پدر، برای خود کلاهی حسابی بافتند و البته پدر بعدها آنها را دعوا کرد! وزیر صنعت دولت یازدهم تا روز آخر عضو هیئت‌مدیره و سهامدار دهها شرکت معظم پتروشیمی بود و البته همزمان سیاست‌گذار همان حوزه! خلاصه کارنامه رانت و ویژه‌خواری در دولت روحانی چنان سیاه و ننگین است که خود مثنوی هفتاد من کاغذ است و بازداشت شخص حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور در ایام اخیر به جرائمی متعدد در همین حوزه و دیگر حوزه‌ها، گویای همه چیز است!

اکنون آیا این دولت، می تواند بند ناف خود را از ویژه‌خواران و زیاده‌خواهان حرام‌خور ببرد؟! بدیهی است شرط و رمز کارایی چیزی نیست جز خلاص شدن از دست این موجودات وگرنه تا این جماعت هست، شاهد ویرانی بیش از پیش اقتصاد خواهیم بود. این جماعت پوشاک وارد می‌کند و در کنار آن هزاران کارخانه و کارگاه تولید پوشاک تعطیل می‌شود! کاشی و سرامیک و دسته بیل و مسواک و سنگ پا و هزاران جنس دیگر، با گوشه چشم همین‌ها بصورت قاچاق و از مرزهای رسمی وارد کشور می‌شود و آب از آب تکان نمی‌خورد!

طبیعی است که ابتدایی‌ترین شرط برای تشکیل دولتی کارآمد، قطع دست ویژه‌خواران از بیت‌المال است.

سلام به غرب، خداحافظ وطن!

کارنامه دیگر دولت یازدهم، دلدادگی و یا در اصل وادادگی به بیگانگان و بخصوص آمریکایی هاست. تجربه تلخی که از یکسو هیمنه و عزت ملی را لکه‌دار کرد و از دیگر سو هیچ دستاورد و سودی برای کشور نداشت. قرار دادهای پیدا و پنهان دولت یازدهم با غربی‌ها ریشه خود انکایی و تولید و دانش بومی را زد و ما را در عرصه‌هایی که سالها بود در آنها حرفی برای گفتن داشتیم، محتاج و نیازمند بیگانگان کرد! ایران سالهاست نیروگاه برق می‌سازد و حتی در دیگر کشورها هم پیمانکار نیروگاه می‌شود، اما در دولت یازدهم، ما ساخت یک نیروگاه را به ترکیه‌ای‌ها سپردیم! واقعا ترکیه کدام دانش و تکنولوژی را دارد که ما نداریم؟! چندین قرار داد محرمانه وزارت صنعت با پژو و رنو فرانسه برای واردات و البته به اسم تولید خودرو در کشور منعقد شد! قراردادهایی که نه محتوای آن معلوم شد و نه تضمین‌های مورد نیاز در آن تا اگر باردیگر فرانسوی‌ها همچون سال‌های بعد از 2012 به یکباره زیر میز زدند و کشور را ترک کردند، بدانیم تکلیفمان چیست! توتال فرانسه هم البته از سفره دلدادگی به غرب بی‌بهره نماند و لقمه چربی بدست آورد! آنهم در پروژه‌ای که فرزندان سربلند ایران ده‌ها نمونه مشابه آن را اجرا کرده بودند!

همه اینها در حالی اتفاق می‌افتد که جوان تحصیل کرده ایرانی، بیکار و ناامید است و خیلی هایشان به مشاغل پست و دست پایین روی آورده‌اند! خیلی‌ها مهاجرت کرده‌اند! دولت از یکسو شعار ایجاد اشتغال می‌دهد و از دیگر سو هیچ جوان تحصیلکرده‌ای را بکار نمی‌گیرد و برعکس برای جوانان فرانسوی شغل ایجاد می‌کند! نگاهی به چندین برابر شدن واردات از چین هم گویای آن است که تلاش برای اشتغال‌زایی برای جوانان چینی در دولت یازدهم به سرعت ادامه داشت و از شیر مرغ تا جان آدمیزاد از چین به ایران سرازیر بود! در حالیکه همه آنها قابلیت تولید داخلی را داشتند و در اثر این اقدامات خیانت آمیز صدها هزار کارگاه و کارخانه تعطیل و میلیونها نفر با مشکل معیشتی و بیکاری و... مواجه شدند!

اگر قرار است دولت دوازدهم کارآمد باشد، یک شرط بسیار مهم آن، دل کندن از بیگانگان و روی آوردن به توان داخلی است. تنها در این مسیر است که اقتصاد مقاومتی تحقق یافته و می‌توان به کارآمدی دولت امید داشت.